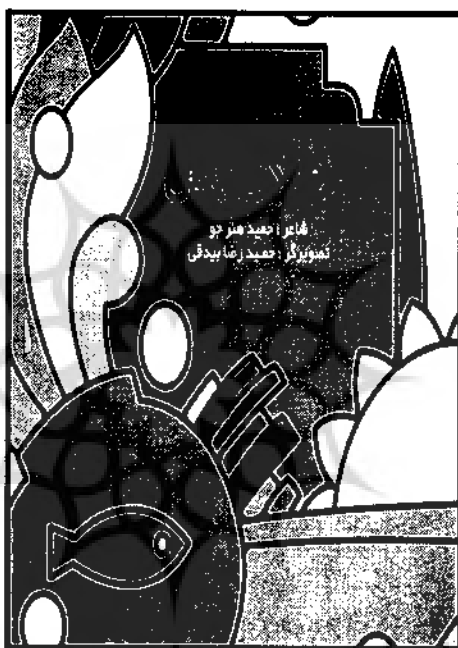


# چند اشکال نه چندان کوچک

جستار گونه‌ای در برف گل یاس

• منوچهر علی‌پور



بر هیچ کس پوشیده نیست که ادبیات در ایران زمین از سابقه بسیار درخشانی برخوردار است و جوانان درخت تناور و کهنسالی بر این گیتی پهناور سایه‌گستر است و بر تارک ادبیات جهان خوش می‌درخشد و ادبیات کودک نیز که ریشه در ادبیات رسمی ایران دارد، از این ویژگی بهره برده است. هر چند که در گذشته به طور رسمی شاعران و نویسندگان کمتر به آن توجه داشتند، اما با دگرگونی‌هایی که در نظام آموزش و پرورش صورت گرفته و توجه به تعلیم و تربیت، توجه به ادبیات کودک و نوجوان نیز بیشتر از پیش شده و جایگاهی مطمئن در تاریخ ادبیات ما باز کرده است و شاعران و نویسندگان فراوانی در این عرصه قلم فرسایی کرده‌اند و اثرهای فراوانی ارائه داده‌اند.

شعر کودک و نوجوان چه در دوران قبل از انقلاب و چه در سال‌های پس از انقلاب دارای ویژگی‌های خاصی است؛ یکی از مهمترین وجوه تمایز شعر کودک و نوجوان در دوران پس از انقلاب، توجه به محتوای ارزشی و تأثیر انقلاب و جنگ تحمیلی بر ادبیات کودک و نوجوان است. شاعران بسیاری به سرایش شعر کودک بامضمون‌های ارزشی، جنگ شهادت و... پرداختند که این خود قابل تقدیر است و این حرکت را در ادبیات کودک باید به فال نیک گرفت اما باید توجه داشته باشیم زمانی که باورها و پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی وارد شعر می‌شوند و می‌خواهیم «ارزش»ها را به کمک شعر به کودکان بفهمانیم و تلاش می‌کنیم که این ارزشها تا همیشه تاریخ ماندگار شوند، باید به خلق هنرناب توجه کنیم و به ناب بودن شعر اهمیت دهیم.

چه بسیارند شاعرانی که تلاش می‌کنند شعر ارزشی بسرایند، اما به «ساختار» شعر کمتر توجه می‌کنند که این عامل مهم، نه تنها موجب ضعیف شدن و کپرتنگ شدن آن «ارزش» می‌شود، بلکه متأسفانه گاهی تأثیر منفی نیز دارد. پس، بر شاعران است که درحق «هنر مکتبی» و «شعر متعهد» به ساختار اثر نیز توجه بیشتری داشته باشند. تا اثر و هنرشان ماندگارتر شده و در عین حال دارای تأثیرگذاری بیشتری شود.

«برف گل یاس» نام مجموعه شعری از شاعر جوان، حمید هنرجوست که توسط نشر «شاهد» با شمارگان پنج‌هزار جلد در اختیار دوستداران شعر کودک و نوجوان قرار گرفته است.

به طور کلی شعر کودک می‌تواند از دیدگاههای مختلفی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد و هر منتقدانی و هر ناقد شعری از نظر گاه خویش به بررسی شعر می‌پردازد. اما تلاش این مقاله بر این است تا با بررسی چند جنبه از ویژگی‌های شعر این شاعر، به بررسی مجموعه شعر «برف گل یاس» فزازه‌ها و فرودهای شعر این شاعر جوان پرداخته شود.

## ۱- قالب:

با بررسی‌های به عمل آمده در شعر شاعران کودک و نوجوان - به ویژه شاعرانی که در شعر کودک به تجربه‌های موفق دست یافته‌اند - چنین بر می‌آید که قالب «چارپاره» از نظر بسامد بیشتر از سایر قالب‌های شعری در شعر کودک و نوجوان کاربرد دارد. این مجموعه شعر که در بردارنده ۱۳ قطعه شعر است، به طور کامل در قالب چارپاره سروده شده است. البته عامل مهمی که موجب می‌شود شاعران در سرایش شعر کودک و نوجوانان به این قالب روی بیاورند، انعطاف پذیری و آزاد بودن شاعر در به کاربردن برخی از واژگان و ارتباط بیش از اندازه مخاطبانش یعنی کودکان و نوجوانان با این قالب است.

...  
و بعد از من  
شعرهای من زندگی می‌کنند  
به جای من

در باران  
شعرهای من باز می‌شوند  
مثل چتر، روی دل آدمهای تنها

در باد  
شعرهای من بال در می‌آورند  
مثل پرنده‌ها و برگ‌های زرد  
و جان می‌دهند  
به نقاشی‌های خدا...

(ص ۸۸)

## راوی آینه‌ها:

«حسین» برادر کوچک صوفی، در بیان عواطف و اندیشه‌های خود از کارایی کمتری برخوردار نیست. اما توجه او به فضاهای داستانی بیشتر از صوفی است. حتی اشعار او نیز خط قصه را دنبال می‌کنند:

وقتی بچه بودم  
فرق هوا با خدا را نمی‌دانستم  
همه جا بود و هیچ کجا دیده نمی‌شد...

(ص ۱۴۶)

شعر حسین، آکنده از حیرت و پرسش است و یاد هر کلمه‌ای، داغ نگرانی‌های او را تازه می‌کند:

چرا خدا آدم آفرینه  
که هم هواپیما اختراع کند  
و هم قفس بسازد؟

(ص ۱۴۷)

او آینه‌وار در برابر مترسکه‌ها، لاک پشت‌ها، کبوترها، مارها، چکشها، پاندولها و ابزار و اشیای گوناگون می‌ایستد و با جان بخشیدن به آنها به یاری تخیلاتش، سعی می‌کند جوابی برای سؤالیهای مهار نشدنی‌اش پیدا کند، اما تنها چیزی که بی‌حیرت و کندوکاو می‌پذیرد و هیچ درصدد توجه و تفسیر آن بر نمی‌آید، عشق به مادر است، عشقی که سرانجام، ذهن فیلسوف کوچک را به ذهن شاعری اصیل نزدیک می‌کند:

چرا خدا  
ماه و خورشید آفریده؟  
مادرم

همه دنیا را روشن می‌کند

(ص ۱۴۱)

وقتی کتاب این نو شاعر خردسال را به پایان می‌بریم احساس می‌کنیم نیروی نهفته در کلمات بیبارشده‌اند درحالی که بسیاری از شاعران بزرگسال، همچنان در خواب زمستانی خود فرو رفته‌اند و سخن بورخس در گوشمان طنین می‌افکند که: از شعر توقع دوچیز می‌رود:

۱- آرایه تصویری واضح و روشن

۲- تأثیرگذاری عمیق و قلبی

کاری که «شاعر قاصدکها» - راوی آینه‌ها» بی‌هیچ ادعایی انجام داده است.

■ نام کتاب: برف گل یاس

■ شاعر: حمید هنرجو

■ تصویرگر: حمیدرضا بیدقی

■ ناشر: شاهد

■ چاپ اول: اسفند ۷۷

■ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

■ قیمت: ۳۶۰ تومان

قالب چارپاره پلی است بین قالب کلاسیک و قالب نو و بیشتر از قالبهای دیگر مورد توجه شاعران کودک و نوجوان قرار گرفته است، اما در این مجموعه به شعری با عنوان «خواب بهشت» بر می‌خوریم که از نظر قافیه بندی به قالب چارپاره، اما در وزن به قالب نیمایی شبیه است و شاعر در آوردن وزن، تناسب و تساوی طول مصرع‌ها را رعایت نکرده است. در هر پاره یک مصرع بر وزن «فاعلاتن، فاعلاتن، فعّلتن» است و مصرعی بر وزن «فاعلاتن فعّلتن».

ممکن است برخی از شاعران بزرگ شعر کودک دست به تجربه‌هایی بزنند و در صدد این باشند که تحولی در قالب شعر ایجاد کنند؛ چنانچه کسانی چون «نیمای» نام آور نیز در شعر بزرگسال سالها پیش این کار را کرده بود و در شعر کودک هم کسانی چون «محمود کیانوش» و «عباس یمنی شریف» تحولاتی در «فرم»، «ساختار» و «قالب» شعر کودک به وجود آورده بودند. اما شاعران جوان باید توجه کنند، زمانی می‌توان دست به تجربه زد که در قالب‌های تثبیت شده، توانایی خویش را به اثبات رسانده باشند.

گمان می‌کنم، اگر قالب شعر نیمایی بود، شاعر موفق به نظر می‌رسید و به خاطر ضرورت‌هایی که در وزن شعر کلاسیک مثل چارپاره وجود دارد، به تنگناهایی نمی‌رسید که به جای «گونه‌های شکفت»، عبارت «گونه‌هایش بشکفت» را بیاورد.

همان طور که می‌دانید، حرف «ب» در فعل «شکفتن» به اعتقاد دستورنویسان حرف «باء زاید» است و به قول قافی‌سنجان و نکته‌سنجان به خاطر پرکردن دهان کوچک وزن، شاعران از آن استفاده می‌کنند و از نظر سبک شناختی از ویژگی‌های سبک خراسانی و متعلق به حدود هزار سال پیش است اگر در شعر رودکی سمرقندی، عنصری و دیگران این حالت‌ها را می‌دیدیم، آن را از ویژگی شعر او می‌دانستیم و از نظر سبک شناسان، یکی از ویژگی‌های سبکی (سبک دوره) آن شاعر قلمداد می‌شد. اما کاربرد آن در شعر امروز و آن هم در شعر کودک که شاعر از نظر زبانی باید بسیار دقت داشته باشد یک عیب بزرگ به شمار می‌آید.

به هر حال اگر شاعر در این قطعه شعر که حال وهابیش به قالب نیمایی نزدیکتر است، به این قالب روی می‌آورد این شعر موفقتر بود و در این صورت زیبا بود به جای این که بگوید:

بالش گل گلی زیبایش  
باز دختر را دید وقتی  
او چفیهی داداشش را  
مثل گل می‌بویید.

(ص ۲۵)

می‌گفت:

بالش گل گلی زیبایش  
باز دختر را دید  
وقتی او چفیهی داداشش را  
مثل گل می‌بویید...

(ص ۲۵)

که در این صورت «دید» و «می‌بویید» می‌توانستند با هم قافیه باشند.

## ۲- موسیقی:

موسیقی یکی از ارکان اصلی و سازنده شعر کودک و نوجوان است و اساس شعر کودک و نوجوان بر موسیقی قرار دارد. موسیقی در شعر را به گونه‌های متفاوتی دست‌بندی کرده‌اند و یکی از مشهورترین دست‌بندی‌های انواع موسیقی، به نظر دکتر شفیعی کدکنی، در کتاب «موسیقی شعر» است که عبارت است از: ۱- موسیقی بیرونی ۲- موسیقی کناری ۳-

## ترکیبهای مشابه سبک هندی

که پیچیده و معمایی است

برای شعر کودک و نوجوان مناسب نیست.

## زمانی که باورهای فرهنگی، مذهبی

وارد شعر می‌شود

باید به خلق هنر ناب توجه کنیم.

خردسالان «قافیه بازی» رواج دارد که این خود نشانه اهمیت دادن ذهن خردسالان به قافیه است.

در مجموعه شعر «برف گل یاس» شاعر به اهمیت قافیه آگاهی داشته و تلاش کرده در کاربرد قافیه موفق باشد که البته گاهی نیز در این تلاش موفق نبوده، مانند:

باز هم مدرسه‌ی کوچک ما  
یاد غم‌های بزرگش افتاد  
دفتر خاطره‌ام غمگین است  
شده بی حوصله، کم حرف، ملال.

(ص ۴)

در این قطعه شعر، دو واژه «افتاد» و «مداد» قافیه هستند که حرف روی آنها «د» ساکن است که موجب فرود موسیقی در آن می‌شود. هر چند قبل از آن حرف مدی «ا» تا حدودی این ضعف را برطرف می‌کند. قافیه اول «افتاد» فعل است و خوش نشسته است اما قافیه دوم «مداد» اسم است که ناموفق است. حتی در مصرع چهارم، «نحو» کلام به هم ریخته است و میان مصرع سوم و چهارم ارتباط کمی وجود دارد. اگر چه شاعری حوصله بودن ملال را دلیل غمگین بودن دفتر خاطره می‌داند.

عموما هر جا که کلام تمام شود قافیه می‌نشیند و شاعران تلاش می‌کنند محکمترین واژه را به عنوان قافیه به کار برند و تمام حرف‌ها در قافیه نهفته است؛ حال آن که در این قطعه شعر، شاعر کمتر به اهمیت و نقش قافیه توجه داشته است.

البته همین حالت و این گونه قافیه را در قطعه شعر دیگری آورده است که در آنجا موفق بوده است:

تمام کوچکی ما بوی گل داشت  
محلّه عطر خوب جبهه می‌داد  
درون قاب خیس چشم‌ها باز  
ایوژر بود و سلمان بود و مقداد.

(ص ۱۰)

## ۳- صور خیال در شعر:

به طور کلی شعریت هر شعر مربوط به چگونگی کاربرد شاعر از عنصر «خیال» است خیال صورت‌های گوناگونی دارد که هر یک به تنهایی نقش سازنده‌ای در ساختار شعر دارند.

شعر کودک نیز سرشار از خیال است و تاثیر خیال‌های لطیف و نازک شاعر در شعر کودک فراوان است.

اگر بخواهیم نقش و تاثیر عنصر خیال را در شعر کودک بررسی کنیم و نشان دهیم که کودکان چقدر خیال‌پرداز هستند، به مطلبی از «اسند برگ» اشاره می‌کنم:

«وقتی به گفته‌ی سند برگ کودکی خردسال می‌خواست بوته ذرتی را از زمین برآورد اما نمی‌توانست و هر چه می‌کوشید آن بوته بر جای خود استوار بود اما سرانجام کوشش او به سامان رسید و بوته ذرت از زمین کنده شد. کودک با شادمانی بسیار، پدرش را از حاصل کوشش خود آگاه کرد. پدرش گفت:

موسیقی درونی ۴- موسیقی معنوی.

حال تلاش می‌کنیم برخی از گونه‌های موسیقی را در این مجموعه بررسی کنیم:

## ۱-۲- موسیقی بیرونی:

موسیقی بیرونی (وزن) اساس شعر کودک و نوجوان را تشکیل می‌دهد؛ چرا که کودکان و نوجوانان قبل از آن که به مفهوم شعر پی ببرند، وزن و موسیقی برای آنها جذابیت خواهد داشت.

به دیگر سخن می‌توان گفت که کودکان اگر کلامی را دارای وزن بیابند آن را شعر می‌نامند و اگر کلامی بدون وزن باشد، دیگر آن را شعر نخواهند نامید! و شعریت یک شعر برای آنان آهنگ است و بس.

یکی از مواردی که شاعران در کاربرد وزن در شعر باید به آن توجه کنند، عدم به کارگیری وزن دشوار و سنگین است. برای مثال اگر شاعر در سرایش شعر کودک از بحر مضارع «مفعول، فاعلات، مفاعیل، فاعلن» بهره برد، این وزن به خاطر نزدیک بودن به گفتار برای آنها جذاب نخواهد بود. حال اگر از وزن‌های آهنگین (ریتیک) چون: فاعلاتن، مفاعیلن، مفتعلن و زحاف‌های آنها بهره برند، شعر برای کودکان و نوجوانان زیباتر و دلنشین‌تر خواهد بود.

عامل دیگری که در موسیقی کلام در شعر کودک و نوجوان تاثیر گذار است، استفاده از مصرع‌های کوتاه است. اگر شاعر در سرایش شعر کودک از مصرع‌های طولانی استفاده کند، قطعا شعر وی از نظر آهنگ و ریتم برای مخاطبان کودک و نوجوان دلنشین نخواهد بود.

شاعر مجموعه «برف گل یاس»، در سرایش شعر خویشتن به این مسئله توجه داشته و تلاش کرده از وزن‌های شاد و ریتیمیک و مصرع‌های کوتاه بهره برد؛ البته نارسایی‌هایی هم در وزن یافت می‌شود.

مانند:

همیشه روبه‌رویت می‌نشیند  
سرود فتح می‌خواند برایت  
دوباره غنچه [...] بوسه‌هایش  
شکوفای می‌شود بر گونه‌هایت

(ص ۹)

همان‌طوری که با علامت [...] مشخص شده، ظاهرا شکستگی وزنی مشاهده می‌شود و یا شاید جافتادگی واژه باشد که به هر حال درک و هضم آن برای کودک و نوجوان دشوار خواهد بود.

## ۲-۲- قافیه (پساوند):

اگر به شعر کودک و نوجوان ژرف بنگریم، درمی‌یابیم که به قول مایاکوفسکی شاعر روس، پس از وزن، قافیه نقش فراوانی دارد در واقع، قافیه چفت و بست شعر کودک است. البته در شعر خردسالان و گروه سنی الف، نقش قافیه پراهمیت‌تر از وزن است و ذهن کودک فقط با موسیقی قافیه هماهنگ می‌شود و از آن لذت می‌برد. حتی در بین

## موسیقی بیرونی (وزن) اساس شعر کودک را تشکیل می‌دهد.

## شاعر برای ساخت استعاره تلاش کرده اما موفق نبوده است.

### عموما هر جا که کلام تمام می‌شود قافیه می‌نشیند و شاعران تلاش می‌کنند محکمترین واژه را به عنوان قافیه به کار برند.

«آری! تو هم مردی شدی و نیرویی داری.» آن طفل خردسال باغرور در پاسخ پدرش گفت: «آری! همه زمین یک سرش را گرفته بود و من یک سرش را تا سرانجام من غالب شدم.» (صور خیال در شعر فارسی، دکتر شفیعی، ص ۵). اما باید به این مسئله توجه وافر داشته باشیم که کاربرد صورت های عجیب و غریب «خیال» موجب گریز کودک و نوجوان از شعر می‌شود و باید در ترکیب سازی شعر کودک بین دو واژه ای که یک ترکیب رami سازند رابطه‌ای منطقی برقرار سازیم که این امر فقط با مطالعه زیاد و کتب و کتب بیشتر شاعر میسر خواهد بود. شاعر کودک برای این که شعرش مانا و پویا شود، باید روان‌شناسی کودک را بهتر از هر کسی بناند و هر روز بیشتر از روزهای پیشین مطالعه کند تا به یافته‌های جدید برسد. در این مجموعه [برف گل یاس] در حوزه صور خیال به ترکیب‌هایی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد شاعر تلاش داشته «استعاره» بسازد، اما در این کار موفق نبوده است. به نمونه‌هایی از این ترکیب سازی‌های دور از ذهن و عجیب و غریب اشاره می‌کنم:

هنوز از ده شب  
هزار شعر دورید

شاعر شب را به «دهی» مانند کرده است و ترکیب «ده‌شب» را ساخته است؛ اما واقعا معلوم نیست چه ارتباطی بین «ده» و «شب» وجود دارد که شاعر به آن پی برده است؟ شاعر ده را به شب مانند کرده است درحالی که «ده» مظهر سادگی و صفا و صمیمیت در شعر-بویژه در شعر کودک - است. کودک ده را پاک و بی‌آلایش می‌بیند و زندگی در آن را بی‌دغدغه و پر از صمیمیت می‌یابد.

البته ظاهرا شاعر در تلاش بوده «شهر گرایی» را مطرح کند و دیگران را دعوت کند تا به سوی شهر آیند. یک وجه ترکیب‌هایی را که جنبه مثبت دارند، شهرت‌شکلی می‌دهد مانند: فرشتگان شهر (ص ۲)، هنوز شهر ما / صدای‌تان بهاری است (ص ۲)

هنوز از ده شب / هزار شهر دورید (ص ۲)، شهر ما، مدرسه‌ی کوچک ما (ص ۴) و...  
دل من می‌دود با کودک اشک  
به دشت گونه‌های نرم و خیشش

ترکیب «کودک اشک» با وجود زیبایی، در شعر کودک و نوجوان زیبا نمی‌نماید. شاعر اشک را کودکی فرض کرده و گونه را به دشت مانده کرده است. غروبی ساده بود و خاله خورشید دوباره چادری قرمز به سرداشتش

مصرع دوم که مصرع زیبایی است و شاعر غروب آفتاب و شفق را برای مخاطب این گونه توجیه می‌کند که خاله‌خورشید چادر قرمزی را به سر کرده است؛ اما ساده بودن

غروب آیا پسندیده است و آیا ترکیب غروب ساده اینجا خوش نشسته است؟

از این دنیای بی دنیا گذشتند  
به آقیانوس آزادی رسیدند

«آقیانوس آزادی» ترکیب زیبایی است، اما دنیای بی دنیا» به چه معنی است و آیا مفهومش برای کودک و نوجوان قابل فهم است؟

بنابراین شاعرانی که برای کودکان و نوجوانان شعر می‌سرایند، باید توجه داشته باشند که در ترکیب سازی برای کودک، درک و فهم آنان را در نظر بگیرند و از آوردن ترکیب‌های «هندی» یا «سبک هندی» پرهیز کنند، چون عموم این نوع ترکیب‌ها پیچیده هستند و یا بهتر بگوییم معمایی هستند که درک معنی و مفهوم آن بسیار دشوار است و معنی کردن یک مصرع آن نیاز به نوشتن چند مقاله پژوهشی و ذکر شاهد مثال‌های فراوانی دارد. آنها نباید اجازه دهند ویروس بزرگسالی در شعر کودک رخنه کند به قول راز آشنای بلخ، ملای روم:

چون که با کودک سر و کارم فتاد  
هم زبان کودکان باید گشاد

(مثنوی، ج ۴، بیت ۲۵۷۸)

اما نارسایی‌های دیگری نیز در این مجموعه شعر به چشم می‌خورد که ناگزیر اشاره‌ای به آنها می‌کنم و امید دارم شاعرانی که برای کودک و نوجوان شعر می‌سرایند، کمی به «شعربیت شعر» و «شعر ناب» توجه داشته باشند؛ چرا که شعر کودک ایران پس از طی یک دوره درخشان، دو- سه سالی است که ارزش واقعی خود را از دست داده است و شاعران فقط به صادر کردن شعر و چاپ مجموعه پرداخته‌اند و حتی ناشران نیز کمتر به دنبال شعر ناب هستند.

لازم است در چاپ هر اثری در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان، در هر دو عرصه شعر و قصه، پیش از چاپ هر اثر، شورایی تشکیل شود و آن اثر مورد ارزیابی قرارگیرد و اجازه داده نشود در حوزه ادبیات کودکان چنین آشفته بازاری حاکم باشد:

شما چه قنر خوبید  
شما چه قنر پاکید  
فرشتگان شهرید  
ستارگان خاکید

در مصرع چهارم، خاک «مجاز» است. ذکر جز ارائه کل و به معنی زمین و منظور شاعر این است که شهیدان ستارگان روی زمین هستند. اما نمی‌دانم آیا کودک این مفهوم را از این مصرع می‌تواند دریابد یا نه؟!  
پرستوی قشنگی باز دیروز  
برای کودکان تعریف می‌کرد  
میان کوچه غوغا بود وقتی

برای این و آن تعریف می‌کرد.

شاعر در این چارپاره، بیت اول، فاعل و فعل را ذکر کرده، اما به مفعول هیچ اشاره نکرده و این موجب نارسایی کلام شده است. پرستو برای کودکان چه چیزی را تعریف می‌کرد؟ چه پیامی بود که نیاز داشت پرستو آن را برای کودکان تعریف کند؟ به همین دلیل مفهوم در بیت اول رسا نیست.  
اما عوض گلوله و تانک  
یک جعبه مناد رنگ دارم

شاعر در شعر بالا، به جای کاربرد متداول «هداد رنگی» از «هداد رنگ» استفاده کرده است، که این مسئله ریشه در ضرورت وزنی دارد.

درس او بود یک چیز دیگر  
غیر جبر و علوم و ریاضی

اگر این شعر برای نوجوانان هم سروده شده باشد، با اینکه با درس علوم و ریاضی آشنا هستند، اما «جبر» برای آنان قابل فهم نیست و لازم است شاعر در کاربرد واژگان به جایگاه خاص آنان نیز توجه داشته باشد که این هم نیاز به مطالعه دقیق دارد.

عطر باران می‌تراوید  
از نگاه پرامیدت

«عطر باران تراویدن»، برای کودک و نوجوان قابل فهم نیست و آنان نمی‌توانند با چنین مفهومی ارتباط برقرار کنند.

۴- نارسایی‌های زبانی و کهنگی زبان:

- کاربرد «ز» به جای «از»:  
بر لبش بود فعل شکفتن  
حال او بود بهتر زماضی

کاربرد «گرچه» به جای «اگر چه»:  
گرچه در کوچه مان نیست دیگر  
سایه اش در دل کوچه جاری است

کاربرد «بشکفت» به جای «شکفت»:  
بازمانند دو غنچه در اشک  
گونه هایش بشکفت

کاربرد زبان محاوره‌ای «توی» به جای «درون» و «داخل»:  
دل او توی بهشتی سرسبز  
با بسیجی‌ها بود

موردهای دیگری چون عدم توجه به «ویرایش صحیح» «شیوه نگارش امروزی» و «سجاوندی» و نیز گران بودن قیمت کتاب در این اثر قابل بررسی است که به خاطر حجم مطلب از پردازش به آنها خودداری می‌کنم؛ هر چند این چهار محور برشمرده شده در شعر کودک و به طور کلی در ادبیات کودکان از اهمیت و تاثیرشگفتی برخوردار است و تمام ناشرانی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت دارند، باید به آنها توجه بیشتری داشته باشند.

در پایان برای این شاعر جوان از پروردگار، آرزوی توفیق دارم و امیدوارم در آینده با توان، مطالعه و حساسیت بیشتر، کاری زیباتر و ارزجمنتر آرایه دهد.